Vol. 19, Issue 4, Winter 2025, pp. 31-44 ISSN (Print): 2538-5968 ISSN (Online): 2538-595X

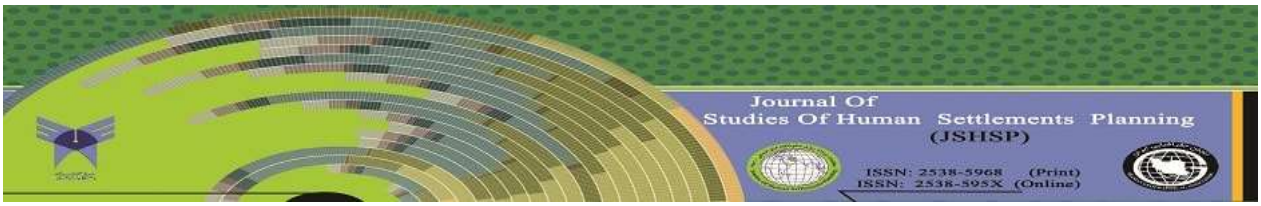

Research Article doi: 10.71633/jshsp.2025.1032460

Evaluation of Local Management in the Rural Areas of Western and Southwestern on Guilan Province

Mahmoud Ghasemnejad Darvishi[1], Nasrollah Molaei Hashjin*[2], MohammadBaset Ghoreshi[3]& Eisa Pourramazan[4]

1. Ph.D Student in Geography & Rural Planning, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran
2. Professor, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran
3. Assistand Professor, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran
4. Associate Professor, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran
* Corresponding author: Email: nmolaeih@iaurasht.ac.ir

Receive Date: 26 Deceber 2020
Accept Date: 09 March 2021

ABSTRACT

Introduction: Rural management is a set of information and skills and a fundamental element of policy-making, planning and implementation of rural development programs and is considered one of the main axes in the analysis of rural issues. Local management with the nature of central management, an organized form, subordinate to the central government is one of the manifestations of rural management that is of great importance in rural areas due to its considerable decision-making power.

Research Aim: The aim of the present study is to evaluate local management in the rural areas of western and southwestern Guilan province.

Methodology: The present study is based on a descriptive-analytical method and is an applied study in terms of purpose. The statistical population of the study includes the rural areas of the west and southwest of Guilan province (7 counties). The statistical population of the study includes governors, prefectures, governorate experts, prefecture experts, housing foundation experts, agricultural jihad experts, provincial rural affairs experts, Dehyars and members of the Islamic Council (156 respondents). The data collection tool is a questionnaire, and regression analysis is used to analyze the data. First, three components of awareness and attitude, laws and regulations, and local indicators (including 54 variables) were selected using the Delphi technique and were measured to evaluate the subject from the perspective of the local community.

Studied Area: The geographical scope of this research includes rural settlements in the west and southwest of Gilan province.

Result: The findings of the study show that villages that have a council and a Dehyar (village manager) can play an effective role in reducing migration, stabilizing and increasing the population, providing infrastructure and superstructure facilities and services, and gaining the satisfaction of the villagers with the help of the credits received. The Dehyar will be better managed than any council or elected council group, even in villages where it is not possible to have a Dehyar due to the population dimension, the management of a set of villages can be entrusted to a Dehyar. The findings also show that the indicators of access roads, facilities and welfare services, and the selection of a suitable manager have also been effective factors in management matters.

Conclusion: With the help of regression analysis, it was determined that these three components have had an impact on local management. Also, by observing the upper and lower positive limits of the one-sample t-test, it can be claimed that all three indicators are in a favorable state and according to the T-statistic, the local index, awareness and attitude, and then the rules and regulations have had the greatest to the least impact on local management in the study area.

KEYWORDS: Village, Local Management, Sustainable Rural Development, West and Southwest of Guilan Province

فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۹، شماره ٤ (پیاپی ٦٩)، زمستان ١٤٠٣
شاپای چاپی ٥٩٦٨- ٢٥٣٥ شاپای الکترونیکی X٥٩٥- ٢٥٣٨
http://jshsp.iaurasht.ac.ir
صص. ٤٤-٣١

مقاله پژوهشی
doi: 10.71633/jshsp.2025.1032460

ارزیابی مدیریت محلی در نواحی روستایی غرب و جنوب غرب استان گیلان

محمود قاسم‌نژاد، نصراله مولایی هشجین*[۲]، محمد باسط قریشی[۳] و عیسی پوررمضان[٤]

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
۲. استاد گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
۳. استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
۴. دانشیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
* نویسنده مسئول: Email: nmolaeih@iaurasht.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۶ دی ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۱۹ اسفند ۱۳۹۹

چکیده

مقدمه: مدیریت روستایی مجموعه ای از اطلاعات و مهارت‌ها و رکن اساسی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی بوده و از محورهای اساسی در تحلیل مسایل روستایی به شمار می‌رود. مدیریت محلی با ماهیت مدیریت مرکزی، شکل سازمان یافته، تابع حکومت مرکزی یکی از نمودهای مدیریت روستایی است که به علت قدرت تصمیم‌گیری قابل ملاحظه از اهمیت بسیاری در نواحی روستایی برخوردار است.

هدف: هدف پژوهش حاضر ارزیابی مدیریت محلی در نواحی روستایی غرب و جنوب غرب استان گیلان است.

روش‌شناسی تحقیق: تحقیق حاضر بر مبنای روش توصیفی – تحلیلی و بر اساس هدف از نوع مطالعات کاربردی است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل مناطق روستایی غرب و جنوب غربی استان گیلان (۷ شهرستان) می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل فرمانداران، بخشداران، کارشناسان فرمانداری‌ها، کارشناسان بخشداری‌ها، کارشناسان بنیاد مسکن، کارشناسان جهاد کشاورزی، کارشناس امور روستایی استانداری، دهیاران و اعضای شورای اسلامی (۱۵۶ پاسخگو) و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل رگرسیون استفاده است. ابتدا به کمک تکنیک دلفی سه مولفه آگاهی و نگرش، قوانین و ضوابط و شاخص‌های محلی (شامل ۵۴ متغیر) انتخاب شده و جهت ارزیابی موضوع از نظر جامعه محلی مورد سنجش قرارگرفته‌اند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش شامل سکونتگاه‌های روستایی در غرب و جنوب غرب استان گیلان می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد روستاهایی که دارای شورا و دهیار هستند بهتر می‌توانند نقش موثری در کاهش مهاجرت، تثبیت و افزایش جمعیت، فراهم نمودن امکانات و خدمات زیربنایی و خدمات روبنایی داشته باشند و رضایت اهالی روستا به کمک اعتبارات دریافتی را جلب نمایند. دهیار بهتر از هر شورا یا گروه شورای منتخب اداره خواهد شد حتی در روستاهایی که با توجه به بعد جمعیتی امکان داشتن دهیار وجود ندارد اداره مجموعه‌ای از روستاها را به یک دهیار سپرده شود. همچنین یافته‌ها نشان می دهد که شاخص‌های راه دسترسی، امکانات و خدمات رفاهی و انتخاب مدیر مناسب نیز از عوامل موثر بر امور مدیریتی بوده است.

نتایج: به کمک تحلیل رگرسیون مشخص شد این سه مولفه بر مدیریت محلی تاثیرگذار بوده است. همچنین با مشاهده حد مثبت بالا و پایین حاصل از آزمون تی تک نمونه می توان ادعا نمود هر سه شاخص در وضعیت مطلوبی قرار دارند و با توجه به آماره T به ترتیب شاخص محلی، آگاهی و نگرش و سپس قوانین و ضوابط بیشترین تا کمترین تاثیر را بر مدیریت محلی در محدوده مورد مطالعه داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: روستا، مدیریت محلی، توسعه پایدار روستایی، غرب و جنوب غرب استان گیلان

مقدمه

مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل اداری است که برای دست یابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می گیرد (حقیقی، ۱۳۷۸: ۵) و باید توجه داشت که شیوه رهبری و مدیریت در هر تمدنی بستگی به ساخت فرهنگی آن تمدن دارد (رضاییان، ۱۳۸۰: ۱). مدیریت بطور کلی عبارت است از استفاده موثر از منابع و بکارگیری نیروی انسانی جهت رسیدن به هدفی خاص.

مدیریت روستایی مجموعه‌ای از دانش، اطلاعات، فنون و مهارت‌ها است که با هنر مدیریت، فرآیند و عمل برنامه‌ریزی به منظور دستیابی به توسعه روستایی را با توجه به اهداف محوری برنامه‌ریزی توسعه روستایی سامان می‌دهد. این مدیریت با توجه به جایگاه ها و وظایف محوله و در راستای اداره امور روستا به بهتر نمودن اوضاع محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا کمک می‌کند (مولائی هشجین، ۱۳۹۲: ۸۹). همچنین می‌توان گفت مدیریت روستایی عبارت است از مجموعه‌ای اعم از دولتی یا مردمی، فردی یا گروهی و در اشکال کلان و خرد که به عنوان متولیان امور مربوط به روستاها فعالیت دارند (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ۱۷۸). با عنایت به تعریف مدیریت به صورت عام، می‌توان مدیریت روستایی را برنامه‌ریزی برای روستا، سازماندهی اقدام توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده دانست. به عبارت دیگر مدیریت روستایی به اداره امور روستا تلقی می شود که در راستای توازن و تعادل امور روستا و همچنین به ارتقاء سطح کیفی زندگی روستاییان یاری رساند (تقدیسی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۷). پارادایم جدید مدیریت روستایی در ایران در محورهای مدیریت مالی و نظام درآمد- هزینه برای روستاها، مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار و مدیریت برای کاهش فقر و برقراری عدالت اجتماعی قابل بررسی است که هر یک از این محورها در دهه‌های قبل دارای شدت و ضعف در عملکرد و اجراء و حتی گاه به عنوان راهبرد اساسی در برنامه های کلان مطرح بوده و بررسی جنبه‌های مختلف این محورها بیان کننده گستردگی مفهوم مدیریت روستایی در ایران است (قدیری معصوم، ۱۳۸۳: ۱۷۸). نقاط روستایی و جوامع روستانشین ایران از دیرباز، مانند سایر جوامع انسانی دارای سلسله مراتب مدیریتی متناسب با اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زمان خود بوده است زیرا بدون نظم و نسق اجتماعی اصولاً اداره هیچ یک از جوامع بشری و از جمله مناطق روستایی امکان پذیر نبوده است (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۸۷). پس از بررسی مفهوم مدیریت و مدیریت روستایی، درک مفهوم و اهمیت مدیریت محلی آسان تر بوده است. واژه مدیریت محلی یا حکومت محلی، تقسیم بندی سیاسی یک کشور و یا امور محلی را در دست دارد و هیأت اداره کننده چنین موجودیتی به صورت محلی انتخاب می‌گردد. حکومت محلی شامل مدیریت عمومی هر محله به وسیله یک هیأت اجرایی از نمایندگان مردم محل است. چنین موجودیتی اگر چه در بسیاری از موارد تابع حکومت مرکزی است ولی از قدرت تصمیم گیری قابل ملاحظه ای برخوردار است (بایرن، ۱۹۸۳: ۱). حکومت محلی موجودیتی سازمان یافته است که دارای مشخصه های حکومتی بوده و استقلال اداری و مالی و نه سیاسی قابل ملاحظه ای برخوردار باشد و هدف از ایجاد آن ارایه خدمات عمومی به مردم محل با حداکثر کارایی و اثربخشی است (مقیمی، ۱۳۸۲: ۴۱-۴۲). مدیریت محلی دهیاری و شورای اسلامی روستا در درجه اول و شورای اسلامی بخش و بخشداری در درجه دوم است که در مدیریت محلی مورد توجه قرار می‌گیرد (مولائی هشجین، ۱۳۹۲: ۳۰).

ایجاد و توسعه مدیریت محلی از رشد و توسعه شعور اجتماعی مردم و نیز دوام و بقاء حقوق آنها حائز اهمیت است که در این صورت مردم محلی خود نیازهای خود را تشخیص می‌دهند (بدری و موسوی، ۱۳۸۸: ۶-۵). واقع هویت محلی مبنای اصلی، محلی گرایی و اداره محلی امور جامعه روستایی در قالب عنوان مدیریت محلی است واژه‌ای که در تمرکززدایی، خودگردانی، مشارکت محلی، مشروعیت محلی، توسعه محلی و خوداتکایی نهفته است (شفیعی، ۱۳۷۹: ۴۳-۳۴). مدیریت محلی در ایران نیز از قدمت زیادی برخوردار است و می‌توان ایران را به عنوان یکی از خاستگاه‌های حکومتی‌های محلی مطرح کرد؛ زیرا ایران یکی از تمدن های قدیمی است که به دلیل وسعت و قلمرو زیاد و برای اداره امور آن از روش های مختلف تمرکززدایی در قالب مناطق ولایات خودمختار و خودگردان استفاده می شده است (مقیمی، ۱۳۸۲: ۵۲). کاهش هزینه‌های دولت در زمینه ارایه خدمات عمومی به روستائیان، کارآمدی در مقایسه با دستگاههای روستایی، فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت مردم در فرآیند توسعه پایدار روستایی و تمرکززدایی و گسترش عدالت اجتماعی از مهمترین عوامل توجه، تقویت و گسترش مدیریت و یا حکومت‌های محلی در عرصه بین المللی به شمار می‌روند (زیارتی نصرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۶). مدیریت محلی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع گرایی و مشارکت در امور را آموزش دهد و عامل تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاهای روستایی شود (مطیعی

لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۳۰). بنابر آنچه ذکر شد مدیریت محلی یکی از ارکان مهم در نواحی روستایی است و اهمیت و توجه به نواحی روستایی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشورها به ویژه در تولید محصولات کشاورزی و غذایی، از جایگاه ویژه ای در توسعه ملی و سرزمینی برخوردار است و بدون سازماندهی و توسعه این مناطق، برنامه‌های توسعه با ناکامی مواجه خواهند شد. بنابراین می‌توان اهمیت مدیریت محلی را درک نمود و از آنجائیکه روستاها به منزلهٔ مکان‌هایی خاص با شیوه زندگی و فعالیت هایی متفاوت نسبت به شهرها نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم شناختی حاکم بر روستا هستند، لازم است مدیریت محلی در محدوده های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد تا با درک نقاط قوت و ضعف آن بتوان زمینه رسیدن به توسعه را فراهم آورد. همچنین ارزیابی مدیریت محلی می تواند امکان ارائه الگوی مناسب مدیریتی را فراهم آورد. به همین دلیل تحقیق حاضر به دنبال ارزیابی مدیریت محلی در مناطق غرب و جنوب غرب استان گیلان شامل شهرستان های آستارا، تالش، رضوانشهر، شفت، صومعه سرا، فومن و ماسال می باشد تا بتوان زمینه ارائه الگوی مدیریتی مناسب را فراهم آورد.

در زمینه ارزیابی مدیریت محلی محققان بسیاری کارکرده‌اند که البته جملگی با هدف هماهنگ ولی از مسیرهای مطالعاتی متفاوتی بهره برده‌اند، در ادامه برخی از این تحقیقات شمرده خواهند شد، اما اغلب اشاره مستقیم به مدیریت محلی در ناحیه خاص روستایی ندارند و این نشانگر نو بودن تحقیق حاضر است. قنبری و بهرامی (۱۳۹۵) در پژوهشی به نقش مدیریت محلی در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان چناران پرداخته و نقش موثر و کارآمد مدیریت محلی در توسعهٔ کالبدی روستایی را تأیید کرده است. بر اساس یافته های تحقیق به جز در معیار وضعیت اقتصادی، در معیارهای مورد بررسی بین دیدگاه دو جامعهٔ آماری تفاوتی معنادار وجود دارد. مولائی هشجین و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی نقش مدیریت محلی در توسعه اقتصادی نواحی روستایی شهرستان بهشهر اعلام می‌دارد، عناصر مدیریت محلی توانسته‌اند برای رشد در زمینه‌هایی مانند بهبود زندگی روستاییان، گسترش توسعه صنایع و حضور گردشگران در فضاهای روستایی، بسترسازی نمایند. در این میان، مدیریت محلی روستایی در ناحیه بهشهر، توفیقات چندانی در کاهش فقر در نواحی روستایی نداشته است. قادرمرزی و جمینی (۱۳۹۶) در پژوهشی به ارزیابی عملکرد مدیریت نوین روستایی با رویکرد حکمروایی خوب و ارائه راهکارهای بهبود آن در نواحی روستایی بخش شاهو، شهرستان روانسر پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که میزان رضایتمندی روستاییان از عملکرد مدیران روستایی پایین تر از حد متوسط بوده است و بیشترین میزان رضایتمندی روستاییان به شاخص توافق جمعی و کمترین میزان رضایتمندی به شاخص مسؤولیت پذیری تعلق دارد. سه راهکار نظرخواهی مدیران روستایی از روستاییان در مراحل مختلف برنامه‌های اجرایی (قبل، حین و بعد از اجرای برنامه-ها)، همکاری و فعالیت بیشتر و دلسوزانهٔ مدیران روستایی در محیط روستا و شفاف سازی برنامه ها و امور اجرایی روستا با روستاییان مهمترین راهکارهای پژوهش حاضر بوده‌اند. سجاسی قیداری و حاجیان (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان ارزیابی مدیریت محلی در مناطق روستایی با شاخص های حکمروایی مطلوب (نمونه موردی: روستاهای توابع شهرستان چناران) اظهار می‌دارند که اکثریت شاخص‌ها (به جز شاخص عدالت) و گویه‌های مرتبط با آن (به جز سه گویه صدور پروانه برای ساختمان‌ها در روستا، برقراری امنیت برای روستاییان، و اعتماد روستاییان به مدیران محلی) میانگین‌ها کمتر از حد متوسط می باشد؛ همچنین رابطه همبستگی بین شاخ ها نیز نشان داده که از نظر روستاییان تحقق حکمروایی مطلوب در مدیریت روستایی، نیازمند وجود همبستگی بین شاخص‌ها می‌باشد. صادقلو (۱۳۹۷) در تحلیل سبک مدیریت محلی در مناطق روستایی و تاثیر آن بر میزان مشارکت پذیری روستاییان دهستان زرین گل شهرستان علی‌آباد، اظهار می‌دارد در اغلب شاخص‌های پنج گانه (انگیزش، مشارکت در تصمیم گیری، تعامل، ارتباطات، و اعتماد و اطمینان) سازندهٔ سبک‌های مدیریت است؛ به گونه‌ای که از میان ۱۱ روستا، ۱۰ روستا دارای مدیریت مشورتی و یک روستا دارای سبک مدیریتی غالب دلسوزانه است. از طرفی، ارتباط مستقیمی بین میزان سبک مدیریت و مشارکت پذیری روستاییان در روستاها وجود دارد. سطح معنی داری بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر سبک مدیریت و مشارکت پذیری روستاییان همبستگی وجود دارد. نصیری لاکه و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به تحلیل نظام مدیریت نوین روستایی و توسعه محیطی- اکولوژیک و کالبدی-فضایی روستاهای ناحیه مرکزی استان گیلان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که بهبود نظام مدیریت روستایی بر توسعه ابعاد محیطی- اکولوژیک و توسعه کالبدی- فضایی روستا موثر بوده است. شفیعی ثابت و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به سنجش مدیریت روستایی، توانمندسازی ذینفعان محلی و تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی سمنان پرداخته و اظهار می‌دارند جایگاه شاخص‌های توانمندسازی ذینفعان محلی در فرایند مدیریت روستایی نامناسب است. بنابراین نیاز است رویکرد حاکم بر فرایند مدیریت روستایی تغییر یابد و یا اصلاح شود. در این ارتباط، انتخاب سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب دولت و به کارگیری روش‌های مناسب توانمندسازی مولد ذینفعان محلی در فرایند مدیریت روستایی، مورد تأکید

می‌باشد. کبیری و ولائی (۱۳۹۸) در پژوهشی به تحلیل چالش‌های مدیریت روستاهای شهرستان میاندواب پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مهمترین چالش پیش روی دهیاران عبارت است از عدم امنیت شغلی، ضعف مالی، فقدان انگیزه، عدم درآمدزایی، نگرش منفی مردم و تعصبات شوراها. حیدری ساربان (۱۳۹۸) در پژوهشی به ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی خوب در شهرستان مشگین شهر پرداخته و اظهار می‌دارد شاخص‌های مشارکت اجتماعی و مسئولیت پذیری از کارکرد بیشتری در شکل‌گیری الگوی مطلوب مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین شهر تأثیر دارد و مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین شهر ازلحاظ شاخص‌های حکمروایی مطلوب روستایی در وضعیت خوبی قرار دارد. همچنین همهٔ شاخص‌های حکمروایی خوب در مناطق روستایی شهرستان مشگین شهر در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

با مروری بر پیشینه مدیریت روستایی در ایران می‌توان دریافت که مدیریت روستایی در ایران مانند دیگر سطوح مدیریتی سرزمین از گذشته‌های دور تاکنون با تحولات ساختاری، تغییرات سازمانی، شیوه مدیریت، چالش‌های ساختاری و مشکلات عدیده-ای روبه رو بوده است به گونه‌ای که با توجه به تغییر شرایط و مقتضیات زمانی در هر دوره‌ای، ساختارهای قبلی سنتی اعمال مدیریت در مناطق روستایی نتوانسته است مشکلات را حل کند و نیز ساختار و مدیریت جدید روستایی، بویژه از دهه ۱۹۷۰ به بعد که مبتنی بر مشارکت در امور و برنامه‌ریزی از پایین به بالا بوده است، به علل مختلفی نظیر؛ بومی نشدن مدیریت و مداخله گسترده دولت به طور کامل، نهادینه نشده تا بتواند مشکلات روستاهای امروزی را با توجه به شرایط موجود و حاکم در دنیا، منطقه و ملی بر طرف سازد (فیروزنیا، ۱۳۹۰: ۶۹). بررسی روند تغییرات تعداد و سهم جمعیت روستایی در طی سرشماری‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵ نشان از از کاهش سهم جمعیت روستایی و عشایری دارد ولی نباید تصور کرد با توجه به اینکه روستانشینی اهمیت گذشتهٔ خود را از دست داده است مدیریت آن نباید مورد توجه قرار گیرد. روشن است که روستانشینی هرگز به صفر نخواهد رسید چرا که با توجه به نقش روستاها در تولید و فراهم نمودن محصولات غذایی در قالب زراعت، باغداری، دامداری، زنبورداری و ... و مواد اولیه صنایع و نیز امکان استقرار بخشی از جمعیت کشور در آن، این امر تحقق پیدا نخواهد کرد البته شیوه روستانشینی با گذشت زمان تغییر پیدا خواهد کرد(مزینی، ۱۳۷٤: ۷۹-۷۸). مدیریت روستایی در ایران در گذشته بصورت سنتی وجود داشته است و در دوره-های مختلف تاریخی به اشکال مختلف و گاهی مشابه بوده است (مولائی هشجین، ۱۳۹۱: ۵).

مدیریت روستایی در ایران در طول تاریخ فراز و نشیب‌های متعددی داشته است. این فراز و نشیب‌ها به ویژه در سال‌های اخیر سرعت بیشتری یافته و با تغییر و تحولات زیادی به لحاظ تشکیلات و زیربناهای قانونی مواجه بوده است. تا زمانی که دولت مرکزی در روستاها حضوری نداشت، رتق و فتق امور روستا توسط افرادی با مشروعیت سنتی انجام می‌گرفت که گاه به لحاظ موروثی بودن آن سال‌های سال در دست افراد خاص در گردش بوده است. این افراد عمدتاً مالکان و نمایندگان آن‌ها یعنی کدخدا و مباشر بود. با گسترش اقتدار حکومت، حوزه مداخله حکومت از شهرها فراتر و به روستاها نیز سرایت نمود، این گسترش باعث مداخله دولت در روستاها و دستکاری در مدیریت سنتی روستاها شد. از جمله این تغییرات کاهش قدرت مالکان و سپس حذف سیاسی مالک از محیط روستا و از هم پاشیدگی مدیریت روستا بدون داشتن جایگزین مناسب در آن برهه و سپس راه اندازی انواع نهادهای محلی توسط دولت و شکل‌گیری صور مختلف حضور دولت یا نمایندگان آن‌ها در روستا شد. در ادامه با پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات به وجود آمده در روستا، مدیریت روستایی با تغییر فکر از مدیریت فردی به مدیریت مبتنی بر نظام شورایی بنیاد نهاده شد و وظیفه اداره روستا بر عهده نهاد جدیدی تحت عنوان شوراهای اسلامی روستایی گذاشته شد. این شوراها که قانون آن در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۱۰ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت، مسئولیت اداره امور روستاها را بر عهده گرفتند. مهم ترین ویژگی این نهاد مدیریتی تازه تأسیس، انتخاب مستقیم این افراد توسط مردم روستا و شورایی بودن آن بود. با تصویب قانون وظایف، تشکیلات و شوراهای اسلامی کشوری در سال ۱۳۷۵ و اصلاح این قانون در سال ۱۳۸۲ تجربه مدیریت اجرایی جدیدی در عرصه مدیریت روستایی شکل گرفت و آن راه اندازی دهیاری‌ها است که در برگیرنده یک نهاد اجرایی، مدیریتی جدید در روستا زیر نظر شورای اسلامی روستا است که وظایف متعدد خدماتی و عمرانی را بر عهده دارند. بررسی و شناخت مسایل و مشکلات و نقاط قوت و ضعف مدیریت روستایی کشور طی دوران‌های گذشته از اهمیت زیادی برخوردار است. بطور کل می توان مدیریت روستایی در ایران را در قالب یک تقسیم بندی کلی به چهار دوره تاریخی تقسیم بندی و آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد: ۱) قبل از انقلاب مشروطیت؛ ۲) دوره مشروطیت تا اصلاحات ارضی؛ ۳) پس از اصلاحات ارضی تا پیروزی انقلاب اسلامی؛ ۴) پس از پیروزی انقلاب اسلامی (بدری و موسوی، ۱۳۸۸: ۲۰-۱۹).

روش پژوهش

این تحقیق براساس هدف کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی- تحلیلی است. در تحقیق حاضر به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین برای تکمیل اطلاعات از روش میدانی استفاده شده است. در تهیه اطلاعات میدانی از پرسشنامه بی‌نام و از نوع بسته و باز برای پاسخ به سوالات و سنجش نظر، دیدگاه و بینش پاسخگویان بهره گرفته شده است. برای پاسخ سئوال‌های بسته از طیف لیکرت استفاده شده است. برای تعیین روایی محتوایی پرسش نامه تحقیق، از قضاوت متخصصان و افراد صاحب نظر استفاده شد که با تغییراتی در ظاهر پرسش‌نامه روایی صوری و روایی محتوایی پرسش نامه پژوهش مورد تایید قرار گرفت. از مجموع ۱۰۰ سوال مطرح شده با خبرگان که در قالب پرسش نامه‌ای در میان ۱۵ نفر آن‌ها توزیع گردید تعداد ۵۴ سوال حذف شدند و در نهایت تعداد ۴۶ سوال برای توزیع در میان جامعه آماری تحقیق باقی ماند. در نهایت با توجه به شرایط پیشنهادی ۱۵۶ پرسشنامه جمع‌آوری شد. پایایی پرسشنامه‌ها به کمک ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۵۶) قابل قبول بوده است. برای استخراج و تحلیل داده‌ها و اطلاعات میدانی که از طریق پرسشنامه حاصل می‌شود از نرم افزار آماری SPSS و آزمون های آماری تحلیل رگرسیون و تی تک نمونه استفاده شده است. حاضر جامعه آماری مورد بررسی فرمانداران، بخشداران، کارشناسان فرمانداری مرتبط با امور دهیاری‌ها و روستاها، کارشناسان بخشداری‌ها، بنیاد مسکن، جهاد کشاورزی، امور روستایی استانداری، دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستاهای شهرستان‌های غرب و جنوب غرب استان گیلان است. با کمک تکنیک دلفی که اساس و پایه آن بر این است که نظر متخصصان هر قلمرو علمی در مورد پیش بینی آینده صائب‌ترین نظرست. بنابراین برخلاف روش‌های پژوهش پیمایشی، اعتبار روش دلفی نه به شمار شرکت کنندگان در پژوهش که به اعتبار علمی متخصصان شرکت کننده بستگی دارد. انتخاب جامعه نمونه به این شرح است: در ۷ شهرستان، ۷ فرماندار، ۱۹ بخشدار،۸۳ دهیار و شورا، ۷ کارشناس امور روستایی استانداری، ۷ کارشناس فرمانداری، ۱۹ کارشناس بخشداری، ۷ کارشناس بنیاد مسکن، ۷ کارشناس جهادکشاورزی به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. در این پژوهش مدیریت محلی روستایی به عنوان متغیر وابسته و شاخص‌های آگاهی و نگرش، قوانین و ضوابط و شاخص های محلی به عنوان متغیر مستقل می‌باشند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان گیلان با ۱۴۰۴۴ کیلومتر مربع در شمال ایران واقع شده و دارای ۱۶ شهرستان، ۵۲ شهر، ۴۳ بخش، ۱۰۹ دهستان، ۲۹۱۴ آبادی که از این تعداد ۲۵۸۳ آبادی دارای سکنه می‌باشد. از میان این شهرستان‌ها ۷ شهرستان آستارا، تالش، رضوانشهر، شفت، صومعه سرا، فومن و ماسال در غرب و جنوب غرب استان قرار دارند و ناحیه مطالعاتی تحقیق است. شهرستان آستارا دارای ۴ بخش مرکزی، اسالم، حویق، گرگانرود؛ شهرستان تالش دارای ۴ بخش مرکزی، اسالم، حویق، گرگانرود؛ شهرستان رضوانشهر دارای ۲ بخش مرکزی و پره سر؛ شهرستان شفت دارای ۲ بخش مرکزی، احمد سرگوراب؛ شهرستان صومعه سرا دارای ۳ بخش مرکزی، تولم، میرزا کوچک جنگلی؛ شهرستان فومن دارای ۲ بخش مرکزی، سردارجنگل و شهرستان ماسال دارای ۲ بخش مرکزی، شاندرمن می‌باشند. بنابراین ۱۹ بخش از ۱۰۹ بخش استان گیلان جزء محدوده مورد مطالعه پژوهش است.

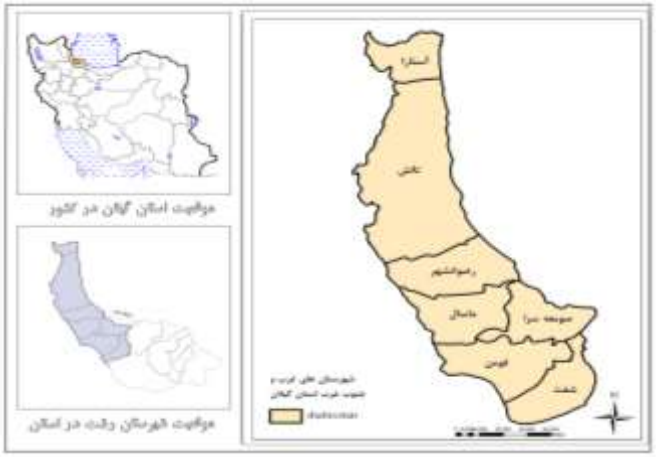

شکل ۱. جایگاه محدوده مورد مطالعه در تقسیمات کشوری

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

جهت ارزیابی مدیریت محلی در محدوده مورد مطالعه ابتدا اقدام به شناخت نوع مدیریت محلی در وضع موجود شده و سپس با بررسی مولفه‌های موثر در مدیریت محلی به ارزیابی آن پرداخته شده است.

جهت بررسی نحوه مدیریت روستایی در غرب و جنوب غرب استان لازم است شهرستان‌های مورد مطالعه را از نظر مدیریتی بررسی نماییم. در پژوهش حاضر این بررسی از دو جنبه جمعیت و ارتفاع گروه بندی خواهد شد. بدین صورت که ابتدا شهرستان‌ها بر اساس رده‌های جمعیتی در سه گروه اندازه جمعیتی (کوچک، متوسط و بزرگ) گروه بندی شده و نحوه برخورداری از مدیریت روستایی را بررسی نموده و در گام دوم این عمل بر اساس تقسیم بندی ارتفاعی (ساحلی، جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی) تکرار شده است. بدین نحو تعداد روستاهای برخوردار از مدیریت روستایی و نوع آن مشخص خواهد شد.

جدول ۱. بررسی روستاهای دارای سکنه موجود در شهرستان‌های مورد مطالعه بر اساس گروه بندی جمعیتی

ردیف	نام شهرستان	تعداد روستاهای ساکن	کمتر از ۵۰۰ نفر (اندازه جمعیت کوچک)		۱۰۰۰- ۵۰۰ نفر (اندازه جمعیت متوسط)		بیشتر از ۱۰۰۰ نفر (اندازه جمعیت بزرگ)	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	آستارا	۵۹	۳۸	۷۱/۱۸	۸	۱۳/۵۵	۹	۱۵/۲۵
۲	تالش	۲۷۹	۱۹۰	۷۴/۵۵	۴۴	۱۵/۷۷	۲۷	۹/۶۷
۳	رضوانشهر	۱۰۴	۶۵	۷۳/۰۷	۲۲	۲۱/۱۵	۶	۵/۷۶
۴	شفت	۹۵	۵۲	۵۵/۷۸	۳۳	۴۳/۷۳	۹	۹/۴۷
۵	صومعه سرا	۱۵۰	۱۰۶	۷۰/۶۶	۲۹	۱۹/۳۳	۱۵	۱۰
۶	فومن	۱۵۶	۹۴	۶۸/۵۸	۴۱	۲۶/۲۸	۸	۵/۱۲
۷	ماسال	۹۳	۶۲	۷۳/۱۱	۲۳	۲۴/۷۳	۲	۲/۱۵
	کل روستاهای ساکن غرب و جنوب غرب استان گیلان	۹۳۶	۶۶۰	۷۰/۵۱	۲۰۰	۲۱/۳۶	۷۶	۸/۱۱

منبع: سالنامه آماری استان گیلان ، فرمانداریها، امور روستایی استانداری گیلان، معاونت برنامه ریزی استانداری گیلان

بنابراین ۷۰/۵۱ درصد از روستاهای موجود در شهرستان‌های مورد مطالعه کمتر از ۵۰۰ نفر، ۲۱/۳۶ درصد بین ۱۰۰۰-۵۰۰ نفر و ۸/۱۱ درصد بیشتر از ۱۰۰۰ نفر جمعیت دارند.

جدول ۲. بررسی وضعیت مدیریت محلی در شهرستان‌های مورد مطالعه

ردیف	شهرستان	کل روستاها	روستاهای دارای سکنه	روستاهای خالی از سکنه	روستاهای دارای شورای اسلامی		روستاهای دارای دهیار	
					تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	آستارا	۸۰	۵۹	۲۱	۴۱	۶۹/۴۹	۳۷	۶۲/۷۱
۲	تالش	۳۶۷	۲۷۹	۸۸	۲۱۰	۷۵/۲۶	۱۹۳	۶۹/۱۷
۳	رضوانشهر	۱۱۵	۱۰۴	۱۱	۸۰	۷۶/۹۲	۷۲	۶۹/۲۳
۴	شفت	۹۹	۹۵	۴	۹۰	۹۴/۷۳	۷۹	۸۳/۱۵
۵	صومعه سرا	۱۵۱	۱۵۰	۱	۱۴۳	۹۵/۳۳	۱۲۹	۸۶
۶	فومن	۱۶۹	۱۵۶	۱۳	۱۳۰	۸۳/۳۳	۱۲۳	۷۸/۸۴
۷	ماسال	۱۰۸	۹۴	۱۵	۷۷	۸۲/۷۹	۷۶	۸۱/۷۲
	کل روستاهای ساکن غرب و جنوب غرب استان گیلان	۱۰۸۹	۹۳۶	۱۵۳	۷۷۱	۸۲/۳۷	۷۰۹	۷۵/۷۴

منبع: سالنامه آماری استان گیلان، فرمانداری‌ها، امور روستایی استانداری گیلان، معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان

بر اساس اطلاعات بدست آمده ۷۵/۷۴ درصد از روستاهای دارای سکنه در شهرستان‌های مورد مطالعه دارای مدیریت اجرایی (دهیار) و ۸۲/۳۷ درصد دارای مدیریت نظارتی (شورای اسلامی) می‌باشند.

جدول ۳. بررسی روستاهای دارای سکنه موجود در شهرستان‌های مورد مطالعه بر اساس گروه بندی ارتفاعی

ردیف	شهرستان	روستاهای دارای سکنه	ارتفاع ۱۰۰-(ساحلی)		ارتفاع ۱۰۰-۰(جلگه‌ای)		ارتفاع ۴۹۹-۱۰۰(کوهپایه‌ای)		ارتفاع ۵۰۰+(کوهستانی)	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	آستارا	۵۹	۱۷	۲۸/۸۲	۱۰	۱۶/۹۴	۱۵	۲۵/۴۲	۱۷	۲۸/۸
۲	تالش	۲۷۹	۸۸	۳۱/۵۴	۵۳	۱۸/۹۹	۳۴	۱۲/۱۸	۱۰۴	۳۷/۲۹
۳	رضوانشهر	۱۰۴	۴۸	۴۶/۱۵	۱۶	۱۵/۳۸	۷	۶/۷۳	۳۳	۳۱/۷۴
۴	شفت	۹۵	۲۸	۲۹/۴۷	۶۱	۶۴/۲۱	۵	۵/۲۶	۱	۱/۰۶
۵	صومعه سرا	۱۵۰	۱۳۰	۸۶/۶۶	۲۰	۱۳/۳۴	۰	۰	۰	۰
۶	فومن	۱۵۶	۴۳	۲۷/۵۶	۷۸	۵۰	۱۲	۷/۶۹	۲۳	۱۴/۷۵
۷	ماسال	۹۴	۰	۰	۴۸	۵۱/۶۱	۳۱	۳۳/۳۳	۱۴	۱۵/۰۶
	روستاهای ساکن غرب و جنوب غرب استان گیلان	۹۳۶	۳۵۴	۳۷/۸۲	۲۸۶	۳۰/۵۵	۱۰۴	۱۱/۱۱	۱۹۲	۲۰/۵۲

منبع: سالنامه آماری استان گیلان ، فرمانداری‌ها، امور روستایی استانداری گیلان، معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان

همانگونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود ۳۷/۸۲ درصد از روستاهای دارای سکنه در شهرستان‌های مورد مطالعه در بخش ساحلی، ۳۰/۵۵ درصد در بخش جلگه‌ای، ۱۱/۱۱ درصد در بخش کوهپایه‌ای و ۲۰/۵۲ درصد در بخش کوهستانی واقع شده‌اند.

جدول ٤. بررسی وضعیت مدیریت محلی در شهرستان‌های مورد مطالعه

ردیف	شهرستان	کل محدوده		ارتفاع ۱۰۰-(ساحلی)		ارتفاع ۱۰۰-۰(جلگه ای)		ارتفاع ۴۹۹-۱۰۰(کوهپایه ای)		ارتفاع ۵۰۰+(کوهستانی)	
		تعداد دهیار	تعداد شورا	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	آستارا	۳۷	۴۱	۱۷	۱۷	۷	۸	۷	۸	۶	۸
۲	تالش	۱۹۳	۲۱۰	۸۰	۸۶	۵۰	۵۲	۲۶	۲۹	۳۷	۴۳
۳	رضوانشهر	۷۲	۸۰	۴۵	۴۶	۱۲	۱۴	۳	۳	۱۲	۱۷
۴	شفت	۷۹	۹۰	۲۵	۲۷	۴۹	۵۷	۴	۵	۱	۱
۵	صومعه سرا	۱۲۹	۱۴۳	۱۱۰	۱۲۳	۱۹	۲۰	۰	۰	۰	۰
۶	فومن	۱۲۳	۱۳۰	۴۲	۴۳	۷۲	۷۶	۶	۸	۳	۳
۷	ماسال	۷۶	۷۷	۰	۰	۴۴	۴۶	۲۸	۲۵	۵	۵
	مجموع تعداد	۷۰۹	۷۷۱	۳۱۹	۳۴۲	۲۵۵	۲۷۱	۷۱	۸۱	۶۴	۷۷
	مجموع درصد	۱۰۰	۱۰۰	۴۴/۹۹	۴۴/۳۶	۳۵/۹۷	۳۵/۱۵	۱۰/۰۱	۱۰/۵	۹/۰۳	۹/۹۹

منبع: سالنامه آماری استان گیلان ، فرمانداری‌ها، امور روستایی استانداری گیلان، معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان

بنابراین ۷۰۹ دهیار و ۷۷۱ شورا در کل روستاهای دارای سکنه در شهرستان‌های مورد مطالعه وجود دارند که نقش مدیریت اجرایی و نظارتی را بازی می‌نمایند که از این تعداد سهم هر پهنه مشخص است. بنابراین نوع مدیریت شناخته شده در پهنه‌های متفاوت نیز دو نوع اجرایی و نظارتی است. پس از مشخص شدن شرایط مدیریتی در شهرستان‌های غرب و جنوب غرب استان به دنبال بررسی‌های میدانی به جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه و باشیوه مصاحبه از جامعه آماری منتخب که شامل ۱۵۶ پاسخگو با اطلاعات زیر می‌باشند پرداخته شده است.

جدول ۵. ویژگی‌های فردی عمومی پاسخ‌گویان

	شرح	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۱۱۳	۷۲/۴۴
	زن	۴۳	۲۷/۵۶
اشتغال	فرماندار و بخشدار	۲۶	۱۶/۶۷
	دهیار و شورای اسلامی	۸۳	۵۳/۲۱
	کارشناسان	۴۷	۳۰/۱۲
سن	کمتر از ۳۰ سال	۵	۳/۲۱
	۳۰-۳۹	۴۲	۲۶/۹۲
	۴۰-۴۹	۵۵	۳۵/۲۶
	۵۰-۵۹	۲۵	۱۶/۰۳

	۶۰ سال و بیشتر	۲۹	۱۸/۵۸
تحصیلات	زیر دیپلم	۱	۰/۶۴
	دیپلم	۳۱	۱۹/۸۷
	کاردانی	۲۵	۱۶/۰۳
	کارشناسی	۷۵	۴۸/۰۸
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۴	۱۵/۳۸

از آنجاییکه اطلاعات مورد نیاز مرتبط با مدیریت روستایی و شناسایی نوع مدیریت محلی بوده از فرماندار (۷ نفر)، بخشدار (۱۹ نفر)، دهیار و شورای اسلامی (۸۳ نفر)، کارشناس امور روستایی استانداری (۷ نفر)، کارشناس فرمانداری (۱۹ نفر)، کارشناس بخشداری (۱۹ نفر)، کارشناس بنیاد مسکن(۷ نفر)، کارشناس جهاد کشاورزی (۷ نفر) جهت دریافت اطلاعات کمک گرفته شده است. اغلب پاسخگویان (۷۲/۴۴ درصد) مردان، در گروه سنی ۴۹-۴۰ سال (۳۵/۲۶ درصد) و با مدرک کارشناسی (۴۸/۰۸ درصد) می‌باشند. گویه‌های پرسشنامه جهت پاسخ به سئوال اصلی که در آن به ارزیابی مدیریت محلی پرداخته شده است در ۳ گروه آگاهی و نگرش، قوانین و ضوابط و شاخص‌های محلی دسته بندی شده است. بر اساس این مولفه‌های متغیرهایی طرح شده و نتیجه نظرسنجی نشان می‌دهد:

آگاهی و نگرش

مولفه آگاهی و نگرش یکی از مولفه‌های مهم ارزیابی مدیریت محلی است که به کمک بررسی‌های میدانی در سطح روستاهای شهرستان‌های مورد مطالعه شناسایی شد.جهت بررسی میزان آگاهی و نوع نگرش به مدیریت نظارتی که از وظایف شوراهاست و مدیریت اجرایی که به عهده دهیاران می‌باشد تعدادی پرسش طرح و به شکل چند پاسخی سازمان‌دهی شده است . نتایج این پرسشنامه به دلیل ناهمگن بودن پاسخ ها به کمک مد (بیشترین بار تکرار) در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ٦. گویه‌های مربوط به آگاهی و نگرش به مدیریت نظارتی و اجرایی

ردیف	پرسش	پاسخ	مد	درصد
۱	عهده دار مدیریت روستا در حال حاضر	دهیار	۱۵۳	۹۸/۲
۲	عهده دار مدیریت روستا بعد از انقلاب	فرمانداری یا بخشداری ، بنیاد مسکن انقلاب	۷۳	۴۶/۸
۳	زمینه مهمترین اهداف مدیریت روستایی	اقدامات عمرانی، توزیع زمین بین کشاورزان،	۱۴۲	۹۱
۴	ارزیابی نقش مردم در همکاری با مدیران روستا	با انتخاب شورای اسلامی عملاً نقش خود را ایفا	۱۱۹	۷۶/۳
۵	نقش شوراها و دهیاران به عنوان مدیران نظارتی و اجرائی	مسئولان را از مشکلات مردم آگاه می سازند	۱۲۸	۸۲/۱
۶	تاریخ تأسیس شورای اسلامی (مدیریت نظارتی) روستا	سال ۱۳۷۸	۱۳۸	۸۸/۵
۷	تفاوت روستاهای دارای شورا و فاقد شورا	روستاهایی که شورا دارند به کاستی ها آگاهی دارند	۱۳۲	۸۴/۹۱
۸	مهمترین مسائل و مشکلات روستا از نظر عمران و برنامه های توسعه	نبود اشخاص مشخص بعنوان مسئول و متولی	۸۱	۵۲/۲۱
۹	نقش شورا در روستاهای غیربرخوردار از دهیاری در روند عمران و توسعه	زیاد (طرح های عمرانی و اجتماعی با استفاده از	۸۴	۵۳/۸
۱۰	عهده دار وظایف شورا در صورت نداشتن شورا	شورای اسلامی بخش (با هماهنگی بخشدار)	۸۳	۵۳/۲
۱۱	نقش شورا در کاهش مهاجرت	زیاد	۷۷	۴۹/۴
۱۲	نقش شورا در تثبیت و افزایش جمعیت	زیاد	۷۱	۴۵/۵
۱۳	نقش شورا را در افزایش میزان برخورداری از امکانات و خدمات زیربنایی و	زیاد (تقویت برنامه های عمرانی)	۸۱	۵۱/۹
۱۴	احساس نیاز به دهیاری	بلی	۱۴۶	۹۳/۶
۱۵	نوع دهیاری مورد نیاز	دهیاری تمام وقت	۹۲	۵۹
۱۶	نقش دهیاری در کاهش مهاجرت	بسیار زیاد	۶۲	۳۹/۷
۱۷	نقش دهیاری در تثبیت و افزایش جمعیت	زیاد	۷۲	۴۶/۲
۱۸	نقش دهیاری را در افزایش میزان برخورداری از امکانات و خدمات زیربنایی	بسیار زیاد(با نظارت بر امکانات و خدمات به کمک	۶۹	۴۴/۲
۱۹	رضایت از روند عمران و توسعه به کمک دهیار و شورا	بلی	۱۲۳	۷۸/۸
۲۰	میزان رضایت از روند عمران و توسعه به کمک دهیار و شورا	زیاد	۶۸	۴۳/۶
۲۱	نحوه عملکرد دهیار و شورا در زمینه عمران و توسعه	با استفاده از اعتبارات	۶۶	۴۲/۵۳

نتایج این پرسش و پاسخ‌ها نشان می‌دهد فرمانداری یا بخشداری، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شورای اسلامی یا دهیار، جهاد کشاورزی به عنوان عهده‌دار مسئولیت‌های مدیریتی روستا شناخته شده‌اند که مهمترین اهداف آن‌ها اقدامات عمرانی، توزیع زمین بین کشاورزان، بهسازی و نوسازی مسکن، مطالعه و اجرای طرح هادی، نظارت برکارهای عمرانی و اقتصادی واجتماعی، هماهنگی با مسئولان دولتی، بررسی، تصویب و اقدام جهت رفع مشکلات مردم و انتقال آن به مسئولان ذیربط می‌باشند. در روستاها مردم با انتخاب شورا و شورا با انتخاب دهیار به یک تعامل رسیده و خود را در تمامی امور سهیم می‌دانند. همچنین پاسخگویان معتقدند روستاهایی که شورا و دهیار دارند بهتر می‌توانند نقش موثری در کاهش مهاجرت، تثبیت و افزایش جمعیت، فراهم نمودن امکانات و خدمات زیربنایی و خدمات روبنایی داشته باشند و رضایت اهالی روستا به کمک اعتبارات دریافتی را جلب نمایند.

قوانین و ضوابط

مولفه دیگر مورد بررسی قوانین و ضوابط می باشد که به کمک بررسی‌های میدانی در سطح روستاهای شهرستان‌های مورد مطالعه شناسایی شد.

جدول ۷. گویه های مربوط به قوانین و ضوابط

ردیف	پرسش	پاسخ	مد	درصد
۱	در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ماده ۱۹۴ به کدامیک از موارد زیر توجه دارد؟	توسعه روستایی	۱۴۶	۹۳/۶
۲	بر اساس آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به منظور پیگیری و نظارت بر انجام فعالیت های توسعه و عمران در محدوده روستا، مدیر ارشد روستا کدام است؟	دهیار	۱۴۷	۹۴/۲
۳	در شرایط کنونی وظایف و ماموریت‌های دهیاری در روستاهای فاقد دهیاری چگونه صورت می گیرد؟	توسط بخشداری	۶۹	۴۴/۲
۴	میزان تاثیر مدیریت روستایی در رفاه اجتماعی ساکنان روستا چگونه بوده است؟	اقدامات عمرانی زیربنایی و روبنایی سبب تسهیل زندگی مردم شده است	۱۳۹	۸۹/۱
۵	مشکلات عمده روستاییان در زمینه مدیریت روستایی چیست؟	فقدان منابع پایدار مالی برای مدیریت روستایی	۹۵	۶۰/۹
۶	مدیر ارشد روستا علاوه بر وظایف مقرر براساس آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران کدامیک از موارد زیر را برعهده دارد؟	تمامی موارد*	۱۳۴	۸۵/۹
۷	به نظر شما با اداره روستاهای فاقد دهیاری یک دهستان توسط یک دهیار تا چه حدی خلاء ناشی از نبود مدیریت اجرایی (دهیاری) را می‌توان پر کرد؟	زیاد	۵۴	۳۴/۶
۸	به نظر شما با اداره روستاهای فاقد شورای اسلامی یک دهستان توسط یک گروه شورای منتخب تا چه حدی خلاء ناشی از نبود مدیریت نظارتی (شورا) را می‌توان پر کرد؟	متوسط	۵۸	۳۷/۲
۹	به نظر شما با اداره روستاهای فاقد دهیاری یک بخش توسط دهیار تا چه حدی خلاء ناشی از نبود مدیریت اجرائی (دهیاری) را می توان پر کرد؟	متوسط	۵۴	۳۴/۶
۱۰	به نظر شما با اداره روستاهای فاقد شورای اسلامی یک بخش توسط یک گروه شورای منتخب تا چه حدی خلاء ناشی از نبود مدیریت نظارتی (شورا) را می‌توان پر کرد؟	متوسط	۵۹	۳۷/۸
۱۱	به نظر شما قوانین لازم برای مدیریت مناطقی که فاقد کد روستایی می باشند ولی در بخشی از سال مردم در آن سکونت دارند، مصوب شده است؟	خیر	۸۷	۵۵/۸
۱۲	اگر مجموعه ای از روستاها با توجه به بعد جمعیتی و خانوار با شورای اسلامی به تعداد با توجه به قوانین موجود و با یک دهیار اداره شود، به نظر شما اداره روستا در چنین شرایطی مناسب خواهد بود؟	بلی	۹۵	۶۰/۹

بر اساس ادعای پاسخگویان در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ماده ۱۹۴ به توسعه روستایی نموده و دهیار را به عنوان مدیریت ارشد روستا نامیده است. همچنین مشخص شده است اگر روستایی فاقد دهیاری بود توسط بخشداری پیگیری و مدیریت شود. البته وجود دهیار بدلیل پیگیری اقدامات عمرانی زیربنایی و روبنایی سبب تسهیل در زندگی مردم شده است . از

* – تسهیل اجرای سیاست ها و برنامه های دولت در روستا، تسهیل دریافت و بازپرداخت تسهیلات مالی– اعتباری توسط روستاییان، بهره برداری و نگهداری اماکن عمومی در صورت مواغفت دستگاههای اجرائی ذیربط، شناسایی ظرفیت ها و قابلیت های سرمایه گذاری در توسعه اقتصاد محلی روستا جهت انعکاس به دستگاههای اجرایی ذی ربط، جلب مشارکت مردم در پیشبرد امور، رفع مشکلات و تحقق برنامه های توسعه روستا، گزارش وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا در چارچوب دستورالعمل ابلاغی وزارت کشور، پیگیری و هماهنگی فعالیت های خدمات رسانی دولت و نهادهای عمومی غیردولتی در سطح روستا، ترویج الگوی معماری اسلامی – ایرانی در روستاها در چارچوب ماده ۱۶۹ قانون، مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه در محدوده روستا با رعایت قانون و تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در آیین نامه و تهیه گزارش سالانه عملکرد ماده ۱۹۴ قانون برای ارائه به بخشداری.

مشکلات عمده دهیارها فقدان منابع مالی پایدار بوده است. از جمله وظایف دهیار به عنوان مدیر ارشد روستا بر اساس این آیین نامه اجرایی، تسهیل اجرای سیاست ها و برنامه های دولت در روستا، تسهیل دریافت و بازپرداخت تسهیلات مالی- اعتباری توسط روستاییان، بهره برداری و نگهداری اماکن عمومی در صورت موافقت دستگاه‌های اجرائی ذیربط، شناسایی ظرفیت ها و قابلیت های سرمایه گذاری در توسعه اقتصاد محلی روستا جهت انعکاس به دستگاههای اجرایی ذی ربط، جلب مشارکت مردم در پیشبرد امور، رفع مشکلات و تحقق برنامه‌های توسعه روستا، گزارش وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا در چارچوب دستورالعمل ابلاغی وزارت کشور، پیگیری و هماهنگی فعالیت های خدمات رسانی دولت و نهادهای عمومی غیردولتی در سطح روستا، ترویج الگوی معماری اسلامی – ایرانی در روستاها در چارچوب ماده ۱۶۹ قانون، مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه در محدوده روستا با رعایت قانون و تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در آیین نامه و تهیه گزارش سالانه عملکرد ماده ۱۹۴ قانون برای ارائه به بخشداری می‌باشد. پاسخگویان معتقدند دهیار بهتر از هر شورا یا گروه شورای منتخب اداره خواهد شد حتی در روستاهایی که با توجه به بعد جمعیتی امکان داشتن دهیاروجود ندارد اداره مجموعه ای از روستاها را به یک دهیار سپرده شود.

شاخص‌های محلی

در این مولفه شاخص‌های محلی موثر بر مدیریت محلی در سطح روستاهای شهرستان‌های مورد مطالعه بررسی شده است.

جدول ۸. گویه های مربوط به شاخص های محلی

ردیف	پرسش	پاسخ	مد	درصد
۱	وجود راههای دسترسی و وسایل نقلیه بین روستاهای فاقد دهیاری با روستا یا روستاهای مورد نظر برای تشکیل دهیاری تا چه حدی تاثیر گذار است؟	زیاد(راه مناسب و وسایل نقلیه نقش بسزایی دارد)	۶۴	۴۱
۲	در میان شاخص‌های راه، تهیه طرح هادی، خدمات رسانی بهتر کدام عامل موثرتر است؟	وجود راه‌های مناسب نقش موثری دارد	۱۲۸	۸۱/۸۲
۳	یکی از دلایل عدم تاسیس و راه اندازی دهیاری نداشتن حداقل جمعیت لازم است به نظر شما چگونه می توان موانع جمعیت پذیری و کاهش آن را برطرف نمود؟	ایجاد امکانات خدماتی و رفاهی و ایجاد درامد پایدار	۹۲	۵۸/۸۲
۴	کدامیک از گزینه‌های (تحت پوشش بخشداری، دهیاری وابسته، دهیاری مستقل پاره وقت، دهیاری مستقل تمام وقت) برای مدیریت مناسب‌تر است؟	دهیاری مستقل تمام وقت (در جهت رفع مشکلات و پیگیری آن- دهیار نماینده دولت در روستا می‌باشدو مشکلات را به گوش مسئولین می‌رساند)	۱۱۱	۷۱/۲
۵	بهترین و مناسب‌ترین گزینه پیشنهادی برای دهیاری روستا و پوشش وظایف مأموریت‌های آن را بیان کنید.	آشنا به مشکلات روستا	۷۵	۴۷/۹۵
۶	آیا نیاز به تأسیس راه اندازی شورای اسلامی یا دهیاری یا هردو می‌باشد؟	بلی	۱۲۹	۸۲/۷
۷	درصورت پاسخ مثبت یا منفی نوع مدیریت (دهیاری، شورای اسلامی و یا هردو) را بنویسید.	تعامل خوب بین دهیار و شورا	۱۲۰	۷۶/۹
۸	به نظر شما با توجه به مشکل قانونی راه اندازی دهیاری و شورای اسلامی آیا می توان قانون را برای کلیه روستاها بدون در نظر گرفتن تعداد خانوار و جمعیت عمومیت داد؟	خیر	۱۰۶	۶۷/۹
۹	وجود و یا عدم وجود راههای دسترسی و وسایل نقلیه بین روستاهای فاقد شورای اسلامی با روستا یا روستاهای مورد نظر برای تشکیل شورای اسلامی تا چه حدی تأثیر گذار است؟	زیاد (راه‌های دسترسی و وسایل نقیله سبب رفت و آمد بین ساکنین روستا می‌شود)	۸۵	۵۴/۵
۱۰	نقش راه‌های دسترسی بین روستاهای فاقد شورای اسلامی و سایر روستاها را بیان کنید؟	وجود راه‌ها نقش موثری دارد و باعث توسعه می‌شود	۱۴۴	۹۲/۵۹
۱۱	یکی از دلایل عدم تأسیس و راه اندازی شورای اسلامی نداشتن حداقل جمعیت ۲۰ خانوار و یا ۱۰۰ نفر جمعیت است بنظر شما چگونه می توان موانع جمعیت پذیری را مرتفع نمود؟	با ایجاد امکانات و خدمات برای روستاییان	۸۳	۵۲/۹۹
۱۲	کدامیک از گزینه های (تحت پوشش شورای اسلامی بخش، تحت پوشش شورای اسلامی بزرگترین روستای نزدیک روستا، شورای اسلامی وابسته، شورای اسلامی مستقل) برای دایر کردن شورای اسلامی مناسب می باشد	شورای اسلامی مستقل (همکاری با دهیار در زمینه توسعه روستایی و عمرانی)	۷۷	۴۹/۴
۱۳	بهترین و مناسب ترین گزینه پیشنهادی شما برای شورای اسلامی روستا و پوشش دادن وظایف و ماموریت‌های آن کدامند؟	افراد متعهد	۱۳۱	۸۳/۹

بنابراین با مطالعه روستاهای دارای سکنه در ۷ شهرستان غرب و جنوب غرب گیلان به این نتیجه رسیدیم که شاخص‌های راه دسترسی، امکانات و خدمات رفاهی و انتخاب مدیر مناسب نیز از عوامل موثر بر امور مدیریتی بوده است.

یافته‌های تحلیلی

حال به کمک داده‌های ناپارامتریک و تبدیل آن‌ها به داده‌های پارامتریک و پس از طی مراحل شاخص سازی بررسی می‌کنیم آیا مولفه‌های آگاهی و نگرش، قوانین و ضوابط و شاخص‌های محلی که تعرفه و مورد نظرسنجی از جامعه آماری قرار گرفته‌اند بر مدیریت محلی تاثیرگذار هستند یا خیر. اگر نتیجه تحلیل رگرسیون یک رابطه خطی بین عوامل را نشان دهد می‌تواند نتیجه مطلوب را پذیرفت. بر اساس داده‌های توصیفی پاسخ این سئوال به وضوح بلی است اما برای روشن‌تر شدن بیشتر موضوع از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. در این تحلیل مدیریت محلی متغیر وابسته و آگاهی و نگرش، قوانین و ضوابط و شاخص های محلی متغیرهای مستقل هستند. در تحلیل رگرسیون پس از بررسی تعمیم‌پذیری تحلیل و عدم همبستگی بین خطاها مقدار ضریب تعیین بدست آمده است.

جدول ۹. بررسی وضعیت مدیریت محلی در شهرستان‌های مورد مطالعه

مدل	مجموع مربعات ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	t	معناداری	تولرانس	عامل تورم واریانس
	B	خطای استاندارد	Beta				
ثابت	۳۴/۸۶	۸/۵۷		۴/۰۶۵	۰/۰۰۰		
آگاهی و نگرش	۱/۲۸	۰/۲۲	۰/۴۲۸	۵/۷۰۱	۰/۰۰۰	۰/۳۰۰	۳/۳۳
قوانین و ضوابط	۱/۰۷	۰/۱۹	۰/۲۶۲	۵/۷۰۱	۰/۰۰۰	۰/۷۸۲	۱/۲۷۹
شاخص محلی	۲/۰۱۸	۰/۳۶	۰/۲۴۷	۵/۶۶۳	۰/۰۰۰	۰/۸۹۳	۱/۱۲

با توجه به مقادیر ستون بتا می توان گفت تمام متغیرها روی مدیریت روستا تاثیر دارند سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است. برای بررسی هم خطی در این مدل مقدارهای تولرانس (Tolerance) و عامل تورم واریانس (VIF) توسط نرم افزار محاسبه گردیده است هرچقدر تولرانس کم باشد (کمتر از ۰/۱) اطلاعات مربوط به متغیرها کم بوده و مشکلاتی در استفاده از رگرسیون ایجاد می‌شود. عامل تورم واریانس نیز معکوس تولرانس بوده و هرچقدر افزایش یابد (بزرگتر از ۱۰) باعث می‌شود واریانس ضرایب رگرسیون افزایش یافته و رگرسیون را برای پیش بینی نامناسب می‌سازد. بنابراین الگوی تعریف شده بر اساس سه عامل شناسایی شده یک الگوی مناسب و هم خط برای تحقیق است و نشان می‌دهد انتخاب آگاهی و نگرش، قوانین و ضوابط و شاخص‌های محلی به عنوان متغیرهای مستقل جهت تبیین موضوع مدیریت محلی روستایی مناسب است. به عبارتی دیگر می‌توان از سه عامل طرح شده در این پژوهش برای ارزیابی مدیریت محلی بهره برد. بنابراین در نهایت می توان بیان نمود با بررسی‌های میدانی و اسنادی صورت گرفته آگاهی و نگرش، قوانین و ضوابط و شاخص های محلی سه مولفه مناسب و موثر بر مدیریت محلی در محدوده مورد مطالعه با یک روند خطی هستند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای

شاخص	میانگین	انحراف معیار	آماره T	معناداری دو دامنه ای	تفاوت میانگین	سطح اطمینان (۹۵ درصد)	
						حد پایین	حد بالا
مدیریت محلی	۳/۱۶	۰/۲۹	۴/۶۳	۰/۰۰۰	۰/۱۶	۰/۰۹۲	۰/۲۳۲
آگاهی و نگرش	۳/۳۷	۰/۶۷	۷/۰۸	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۲۷۳	۰/۴۸۵
قوانین و ضوابط	۳/۲۱	۰/۴۰	۶/۵۷	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۰/۱۴۹	۰/۲۷۸
شاخص محلی	۳/۴۴	۰/۴۰	۱۳/۹۱	۰/۰۰۰	۰/۴۴	۰/۳۸	۰/۵۰۷

همانطور که می‌دانیم میانگین نظری در طیف های ۵ گزینه‌ای سه بوده و میانگین بالاتر از عدد ۳ مطلوب فرض می‌شود. همچنین در نتایج آزمون تی تک نمونه پس از در نظر گرفتن سطح معناداری و بررسی عدد تی می‌توان حدود بالا و پایین را بررسی نمود. اگر در این آزمون حدود بالا و پایین بیش از میانه باشد نشان می‌دهد میانگین جامعه مورد آزمون بالاتر از حد متوسط است. حال در تحقیق حاضر با مشاهده میانگین و حد بالا و پایین (هر دو مثبت) حاصل از آزمون تی تک نمونه می‌توان ادعا نمود هر سه شاخص در وضعیت مطلوبی قرار دارند و با توجه به آماره T به ترتیب شاخص محلی، آگاهی و نگرش و سپس قوانین و ضوابط بیشترین تا کمترین تاثیر را بر مدیریت محلی در محدوده مورد مطالعه داشته‌اند.

نتیجه گیری

مدیریت محلی در ایران از واژگان نوینی است که به عنوان یک مفهوم مردم نهاد و با عملکردهای نظارتی و اجرایی مطرح گردیده است. این نوع مدیریت به دلیل تغییر رویکرد از مدیریت دولتی و تسلط گرا و شریک نمودن روستاییان در تصمیمات قابل درک و مهم، همچنین غالب بودن رویکرد پایین به بالا یکی از مهمترین انواع مدیریت می‌باشد. مدیریت محلی خوب با کمک شوراهای روستایی با برنامه ریزی و درک صحیح از مشکلات و شریک نمودن اهالی روستا در آن می‌تواند زمینه توسعه روستایی را بیشتر از مدیران دولتی فراهم نماید. این نوع مدیریت که در برخی اسناد از آن به مدیریت نوین نیز یاد شده است نیازمند شناخت و بررسی بیشتر می باشد. این شناخت می بایست در زمینه شاخص‌های موثر، چالش‌ها و راهکارها انجام شود تا بتوان امید داشت در آینده ای نزدیک به یک الگوی موفق ارتقاء یابد . بسیاری از محققان همچون قنبری و بهرامی، مولائی هشجین و همکاران، قادرمرزی و جمینی، سجاسی قیداری و حاجیان، صادقلو، نصیری لاکه و همکاران، شفیعی ثابت و همکاران، کبیری و ولائی و حیدری ساربان در مورد مدیریت نوین، مدیریت روستایی و مدیریت محلی تحقیق نموده اند ولی از آنجائیکه مسیر تحقیق و محدوده مورد مطالعه متفاوت است این پژوهش نو و تازه می باشد. بسیاری از محققان معتقدند جهت ارزیابی مدیریت می بایست به بررسی شاخص های آن پرداخت. در تحقیق حاضر نیز سعی شده است بر اساس پیشینه تحقیق تعدادی گویه و متغیر مشخص، سپس به کمک تکنیک دلفی و راهنمایی کارشناسان محترم مولفه ها و متغیرهای مناسب محدوده مورد مطالعه شناسایی و بومی شود. بدین وسیله در محدوده مورد مطالعه که شامل هفت شهرستان آستارا، تالش، رضوانشهر، شفت، صومعه سرا، فومن و ماسال در غرب و جنوب غرب استان گیلان می باشد. بر اساس مطالعات میدانی در سطح محدوده مورد مطالعه مشخص شد مدیریت محلی شامل شورا به عنوان مدیریت نظارتی و دهیار به عنوان مدیریت اجرایی است.

در گام بعد سه گویه آگاهی و نگرش، قوانین و ضوابط و شاخص‌های محلی و ۵۴ متغیر شناسایی شد و سپس به کمک ۱۵۶ پاسخگو که شامل ۷ فرماندار، ۱۹ بخشدار،۸۳ دهیار و شورا، ۷ کارشناس امور روستایی استانداری، ۷ کارشناس فرمانداری، ۱۹ کارشناس بخشداری، ۷ کارشناس بنیاد مسکن، ۷ کارشناس جهادکشاورزی و به صورت تصادفی انتخاب شده اند اطلاعات میدانی جمع آوری گردید. پاسخگویان به سئوالات باز و بسته(بر اساس طیف لیکرت) پاسخ گفتند و نتایج نشان داد فرمانداری یا بخشداری ، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شورای اسلامی یا دهیار، جهاد کشاورزی به عنوان عهده دار مسئولیت های مدیریتی روستا شناخته شده اند که مهمترین اهداف آن‌ها اقدامات عمرانی ، توزیع زمین بین کشاورزان، بهسازی و نوسازی مسکن، مطالعه و اجرای طرح هادی، نظارت بر کارهای عمرانی و اقتصادی و اجتماعی، هماهنگی با مسئولان دولتی، بررسی، تصویب و اقدام جهت رفع مشکلات مردم و انتقال آن به مسئولان ذیربط می‌باشند. در روستاها مردم با انتخاب شورا و شورا با انتخاب دهیار به یک تعامل رسیده و خود را در تمامی امور سهیم می‌دانند. همچنین پاسخگویان معتقدند روستاهایی که شورا و دهیار دارند بهتر می توانند نقش موثری در کاهش مهاجرت، تثبیت و افزایش جمعیت، فراهم نمودن امکانات و خدمات زیربنایی و خدمات روبنایی داشته باشند و رضایت اهالی روستا به کمک اعتبارات دریافتی را جلب نمایند. همچنین بر اساس ادعای پاسخگویان در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ماده ۱۹۴ به توسعه روستایی نموده و دهیار را به عنوان مدیریت ارشد روستا نامیده است. همچنین مشخص شده است اگر روستایی فاقد دهیاری بود توسط بخشداری پیگیری و مدیریت شود. البته وجود دهیار بدلیل پیگیری اقدامات عمرانی زیربنایی و روبنایی سبب تسهیل در زندگی مردم شده است. از مشکلات عمده دهیارها فقدان منابع مالی پایدار بوده است. از جمله وظایف دهیار به عنوان مدیر ارشد روستا بر اساس این آیین نامه اجرایی، تسهیل اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در روستا، تسهیل دریافت و بازپرداخت تسهیلات مالی– اعتباری توسط روستاییان، بهره برداری و نگهداری اماکن عمومی در صورت موافقت دستگاه‌های اجرائی ذیربط، شناسایی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سرمایه گذاری در توسعه اقتصاد محلی روستا جهت انعکاس به دستگاههای اجرایی ذی ربط، جلب مشارکت مردم در پیشبرد امور، رفع مشکلات و تحقق برنامه های توسعه روستا، گزارش وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا در چارچوب دستورالعمل ابلاغی وزارت کشور، پیگیری و هماهنگی فعالیت های خدمات رسانی دولت و نهادهای عمومی غیردولتی در سطح روستا، ترویج الگوی معماری اسلامی – ایرانی در روستاها در چارچوب ماده ۱۶۹ قانون، مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه در محدوده روستا با رعایت قانون و تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در آیین نامه و تهیه گزارش سالانه عملکرد ماده ۱۹۴ قانون برای ارائه به بخشداری می باشد. پاسخگویان معتقدند دهیار بهتر از هر شورا یا گروه شورای منتخب اداره خواهد شد حتی در روستاهایی که با توجه به بعد جمعیتی امکان داشتن دهیاروجود

ندارد اداره مجموعه ای از روستاها را به یک دهیار سپرده شود. همچنین نتایج نشان می دهد شاخص های راه دسترسی، امکانات و خدمات رفاهی و انتخاب مدیر مناسب نیز از عوامل موثر بر امور مدیریتی بوده است.

پس از جمع بندی اطلاعات اسنادی و میدانی، به کمک تحلیل رگرسیون مشخص شد سه مولفه آگاهی و نگرش، قوانین و ضوابط و شاخص های محلی با شاخص مدیریت محلی دارای رابطه خطی بوده و به عبارت دیگر بر آن تاثیرگذارند. بنابراین می توان ادعا نمود انتخاب مولفه ها درست بوده است. سپس به کمک آزمون تی تک نمونه ثابت شد کلیه مولفه های مورد بررسی در سطح مطلوبی قرار داشته و شاخص محلی، آگاهی و نگرش و سپس قوانین و ضوابط به ترتیب بیشترین تا کمترین تاثیر را بر مدیریت محلی در محدوده مورد مطالعه داشته‌اند. با توجه به بررسی‌ها میدانی و درک نحوه مدیریت محلی در محدود مطالعه پیشنهادهایی برای بهتر شدن این امر ارائه می‌گردد. این پیشنهادها شامل:

– دولت باید ضمن توجه جدی به منابع مالی دهیاریها وبا تاسی بر سیاستهای تمرکز زدایی از فعالیتهای خود نسبت به تزریق منابع مالی اتخاذ شده از روستاها وصرف وجوه دریافتی در هر روستا ضمن تامین عدالت اداری انچه از مردم وصول مینماید را به انها برگرداند تا توسط دهیاری‌ها در توسعه روستایی هزینه شود؛

– باید شیوه ای مناسبی در افزایش اختیارات دهیاریها و تمرکز زدایی تصمیم گیریها وتفویض آن به واحدهای محلی اتخاذ گردد بطوریکه تصمیمات قابل اجرا و آسان انجام پذیرند؛

– کوشش‌های در جهت آشنا سازی مردم با عملکرد دهیاریها توسط دولت و شورای اسلامی روستا انجام پذیرد؛

– بسترهای مناسبی برای آشنایی دهیاران با مفاهیم توسعه پایدار روستایی و چگونگی تحقق آن در مناطق روستایی از طریق بر گزاری دورهای آموزشی فراهم گردد؛

– در مقوله رشد و توسعه روستایی توجه به اهمیت مشارکت مردم (روستاییان) گردد؛

– برای تحقق اهداف توسعه روستایی، نیاز به مدیریت محلی احساس می‌شود تا بتواند با بررسی و شناسایی مشکلات روستا بهترین راه حل‌های ممکن را عملیاتی نماید.

تقدیر و تشکر

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی بوده که در گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت از آن دفاع شده است.

منابع

بدری، علی و موسوی، عارف. (۱۳۸۸). *مدیریت نوین روستایی در جستجوی راهکارهای مناسب برای توسعه دهیاری‌ها*. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی اشتیاق نور.

تقدیسی، احمد؛ سوری، فرشاد؛ صیدایی، سید اسکندر و کاظمی ، زینب. (۱۳۹۰). *بررسی و تحلیل میزان عملکرد دهیاران درمدیریت روستایی* (مورد پژوهش: بخش کونانی شهرستان کوهدشت). *مدیریت شهری*، ۹(۲۸)، ۱۷۴-۱۵۷.
http://ijurm.imo.org.ir/article-۱۰۲-۱-fa.html

حسینی ابری، سید حسن. (۱۳۸۰). *مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

حقیقی، محمد. (۱۳۷۸). *نظریه‌های مدیریت تهران*. تهران: انتشارات نقش مهر.

حیدری ساربان، وکیل. (۱۳۹۸). *ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی خوب* (مطالعهٔ موردی: شهرستان مشگین شهر). *جغرافیا وتوسعه*، ۵۷ ، ۱۵۴-۱۳۳. doi:10.22111/GDIJ.2019.4985

رضاییان، علی. (۱۳۸۰). *مبانی سازمان مدیریت*. تهران: انتشارات سمت.

زیارتی نصرآبادی، اسماعیل. (۱۳۸۴). *ساختار و تشکیلات در سازمان مردم نهاد دهیاری. ماهنامه دهیاری*، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، شماره ۱۸.

سجاسی قیداری، حمدالله و حاجیان، نرگس. (۱۳۹۷). *ارزیابی مدیریت محلی درمناطق روستایی با شاخص‌های حاکمیت مطلوب* (مطالعه موردی روستاهای شهرستان چناران). *برنامه‌ریزی فضایی*، ۸(۲۸)، ۲۰۸-۱۹۱. https://gps.gu.ac.ir/article_70711.html

شفیعی ثابت، ناصر؛ حسینی حاصل، صدیقه و رهبری، مهناز.(۱۳۹۷). *ارزیابی مدیریت روستایی، توانمندسازی ذینفعان محلی و تحولات کالبدی در سکونتگاه های روستایی* (مطالعه موردی سمنان). *مسکن و محیط روستا*، ۱۶۵، ۱۱۳-۱۲۸. doi: 10.22034/38.165.113

شفیعی، حسن. (۱۳۷۹). *مدیریت در سطح محلی و توسعه پایدار. مدیریت شهری*، ۴، ۴۳-۳۴.

صادقلو، طاهره. (۱۳۹۷). تحلیل سبک مدیریت محلی در مناطق روستایی و تأثیر آن بر میزان مشارکت روستاییان (منطقه مورد مطالعه: روستاهای زرین گل شهرستان علی آباد). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۲ (۳)، ۸۷۰-۸۵۱. doi:10.22059/JHGR.2019.239103.1007516

فیروز نیا ، قدیر. (۱۳۹۰). *چشم انداز و نظام مدیریت برنامه‌ریزی توسعه کالبدی نواحی روستایی ایران*. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

قادر مرزی، حامد و جمینی، داود. (۱۳۹۶). ارزیابی عملکرد مدیریت نوین روستایی با رویکرد حکمروایی خوب و ارائه راهکارهای بهبود آن در روستاها (مطالعه موردی: بخش شاهو، شهرستان روانسر). *پژوهش و برنامه‌ریزی‌روستایی*، ۶(۲)، ۱۲۳-۱۱۱.

قدیری معصوم، مجتبی و ریاحی، وحید. (۱۳۸۳). بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران. *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۶(۵۰)، ۱۹۸-۱۷۷. https://jrg.ut.ac.ir/article_10064.html

قنبری، سیروس و بهرامی، کیوان.(۱۳۹۵). مدیریت محلی و نقش آن در توسعه فیزیکی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان چناران). *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۶ (۲۲)، ۱۳۵-۱۴۶. dor: 20.1001.1.22516735.1395.6.22.11.1

کبیری، افشار و ولائی، محمد. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل چالش‌های مدیریت نوین روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان میاندوآب (مطالعه موردی روستاهای شهرستان میاندوآب). *روستا و توسعه*، ۲۲(۸۷)، ۹۴-۶۹. doi: 10.30490/RVT.2020.262968.1009

مزینی، منوچهر. (۱۳۷۴). *مدیریت شهری و روستایی در ایران، مشکلات و امکانات آن*، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

مطیعی لنگرودی، سید حسن. (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی توسعه روستایی با تأکید بر ایران*. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

مقیمی، محمد. (۱۳۸۲). *اداره امور حکومت‌های محلی*. مدیریت شوراها و شهرداری‌ها، تهران، انتشارات سمت.

مولائی هشتجین، نصراله. (۱۳۹۲). *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در گیلان* (شناخت، ارزیابی و چشم انداز طرح هادی روستایی). دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

مولائی هشجین، نصرالله. (۱۳۹۱). *مدل و الگوی پیشنهادی مدیریت روستایی در استان گیلان*. همایش ملی توسعه روستایی، گیلان.

مولائی هشجین، نصرالله. (۱۳۹۲). *جایگاه مدیریت محلی در برنامه ریزی کالبدی در سکونتگاه‌های روستایی*. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور.

مولائی هشجین، نصرالله؛ آمار حاجی شیرکیا، تیمور و باقری، عباس. (۱۳۹۶). *نقش مدیریت محلی در توسعه اقتصادی مناطق روستایی شهرستان بهشهر. اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۶(۴)، ۱۷۶-۱۶۵. http://serd.khu.ac.ir/article-12964-fa.html

نصیری لاکه، محمد؛ مولائی هشجین، نصرالله و پوررمضان، عیسی. (۱۳۹۷). *تحلیل نظام نوین مدیریت روستایی و توسعه زیست محیطی- اکولوژیکی و کالبدی- فضایی روستایی* (مطالعه موردی: منطقه مرکزی استان گیلان). *نگرش‌های نو درجغرافیای انسانی*، ۱۱(۳)، ۲۴۴-۲۲۳. dor: 20.1001.1.66972251.1398.11.3.12.1

Byrne, Tony. (1983). *Local Government in Britani*, Antony Byrne.

How to cite this article:
Ghasemnejad Darvishi, M., Molaei Hashjin,N., Ghoreshi,M.B., Pourramazan, E.(2025). Evaluation of local management in the rural areas of western and southwestern on Guilan province). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, *19*(4), 31-44.

ارجا به این مقاله:
قاسم‌نژاد درویشی، محمود؛ مولائی هشجین، نصرالله؛ قریشی، محمد باسط و پوررمضان، عیسی. (۱۴۰۳). ارزیابی مدیریت محلی در نواحی روستایی غرب و جنوب غرب استان گیلان. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۹(۴)، ۴۴-۳۱.